

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۱ • سال دهم • شماره ۱۶۹۵ • ۷

شرق روزنامه فرهنگ

اکبر عبیدی در گفت‌وگو با «شرق»؛ دروغ نگفته‌ام، مردم دوستم دارند صفحه ۸

پرسش‌های راستین از روح مدفون، نمایشگاه عکس مهدی مقیم‌نژاد صفحه ۱۰

نمایشگاهی با صنیع الملک و کمال الملک صفحه ۱۰

پویانمایی

گزارشی از هشتمین جشنواره پویانمایی انیمیشن؛ رقیبی برای سینما

شرق: تهران در روزهای پایانی سال ۹۱، شاهد برپایی هشتمین جشنواره پویانمایی بود. مراسم اختتامیه هشتمین جشنواره بین‌المللی پویانمای۱۷ اسفند با حضور سفرای کشورهای خارجی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد.

صادق رضایی، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در بخشی از این مراسم گفت: «وقتی حرف زدن در کانون پرورش فکری جواب نمی‌دهد دست به کارهای دیگری می‌زنیم. انتظار ما از پویانمایی محتواس‌ت، شاید کشورهای خارجی پویانمایی خوبی داشته باشند اما در محتوا دچار مشکل هستند.»او سپس به بعد مالی انیمیشن اشاره کرد: «تصادا انیمیشن نباید به تولید کار خوب وابسته باشد، اگر به کمک انیمیشن بیايید قطعا از سینمای کشور بهتر خواهد بود، امیدوارم از ظرفیت‌ها استفاده کنیم.»

در ادامه برنامه هم جایزه بخش مسابقه ایران شامل تندیس طلایی و جایزه نقدی ۲۵میلیون‌ریالی به شیواصادق اسدی، کارگردان فیلم «بچه‌گریه» اهدا شد. همچنین جایزه بهترین فیلم با موضوع حمایت از کار و سرمایه ایرانی به محمود سلطان‌پور برای فیلم «رویا من» داده و جایزه بهترین فیلم با موضوع تولید ملی به سعادت رحیم‌زاده برای فیلم «کودکان دشت» اهدا شد. در بخش بهترین اثر بلند هم هیات داوران ضمن تقدیر از کارگردانان فیلم‌های «آقای مهربان» و «زکریای رازی» علیرضا گلیاگانی، بهنام دل‌داده و فرشاد شفعی، تندیس طلایی و جایزه نقدی ۳۵میلیون‌ریالی جشنواره را به محمد ابوالحسنی و عبدالحسنین ابوالحسنی برای تهیه‌کنندگی فیلم بلند «تهران ۱۵۰۰» تقدیم کرد. تندیس طلایی به همراه ۲۵میلیون‌ریال جایزه‌نقدی برای بهترین صداگذاری به چنگیز صباد برای فیلم بچه‌گریه تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اهدا شد. تندیس طلایی برای بهترین موسیقی به همراه جایزه نقدی ۲۵میلیون‌ریالی به پژمان خلیلی برای فیلم‌های بچه‌گریه و «زنی زیر بخت‌ها» اول می‌خواند» تقدیم شد. در بخش بهترین فضا سازی، هیات داوران ضمن تقدیر از کارگردانان فیلم «دیو دیگ به سر» اصغر صافر و بابک سبحانی، تندیس طلایی و جایزه نقدی ۲۵میلیون‌ریالی را به معین



تصویری از یکی از کلیپ‌های فاطیما یثربی

صدمی برای فیلم «آواز شب» و «راز آن درخت» هر دو از تولیدات کانون اهدا کرد. تندیس طلایی به همراه جایزه‌نقدی ۳۰میلیون‌ریالی بهترین پویانما به (انیماتور) به حامد اکرمی برای فیلم «کرمادو» تعلق گرفت. تندیس طلایی به همراه ۲۵میلیون‌ریال وجه نقد برای بهترین فیلمنامه به مونا عبدالله‌شاهی برای فیلم «قط‌قرمز» تقدیم شد. هیات داوران تندیس نقره‌ای بهترین فیلم تجرینی به همراه ۲۵میلیون‌ریال وجه نقد را به مهدی آقاچانی برای فیلم «ایسان» اهدا کرد. در همین حال تندیس طلایی بهترین اثر تبلیغی همراه جایزه ۲۰میلیون‌ریالی به‌طور مشترک به بابک و بهنوژ نکویی برای فیلم «تیزر تبلیغاتی باکت پالاستیکی بیلگون» تعلق گرفت.

هیات‌داوران بخش دانشجویی متشکل از علی‌اکبر صادقی، ابوالفضل رازانی و سعید توکلین، سه تندیس طلایی به همراه جایزه نقدی ۲۵میلیون‌ریالی را به ترتیب به حمیدرضا بیات کارگردان «فیلم ببین من چه خوب می‌گم»، برای بهترین کارگردانی، هاجر مهرانی برای فیلمنامه فیلم «همکی» و الهه بهین کارگردان «داستان یک سنگ» برای بهترین انیماتور اهدا کرد.

برگزیدگان «سیفی» و «آسیفا ایران»
داوران آسیفای ایران سه جایزه خود را به دکتر اکبر سلطانی به نمایندگی از دانشجویان انیمیشن دانشگاه سینما تئاتر گروه انیمیشن، دکتر صفورا به نمایندگی از گروه انیمیشن دانشگاه تربیت مدرس و دکتر ناصر گل‌محمدی به نمایندگی از گروه انیمیشن و هنرهای دیجیتال دانشگاه صدا و سیما اهدا کردند.

برگزیدگان مسابقه بین‌الملل
هیات داوران مسابقه بین‌الملل تندیس طلایی (جایزه ویژه) خود را به کارگردان فیلم «جایی که سگ‌ها می‌میرند» سولتانا فیلیپووا از کشور فرانسه تقدیم کرد. در عین حال، تندیس طلایی بهترین اثر بلند به ماگنوتو شینکای از کشور ژاپن کارگردان فیلم «بچه‌هایی که صداهای گذشته را تعقیب می‌کنند» اختصاص یافت. بر همین اساس، تندیس طلایی بهترین اثر تبلیغی را کارگردانان فیلم «گوگل کردن» نقاشی‌های تجزوره» سورش ارباب از کشور هند دریافت کرد. همچنین تندیس طلایی بهترین اثر تلویزیونی به «بریک وپراک خوش آمدید» آملندینه گارلاند و متیو شوالیه از کشور فرانسه تعلق گرفت. هیات داوران تندیس طلایی بهترین اثر دانشجویی را به هاجر مهرانی کارگردان فیلم نمکی از ایران اختصاص داد. بر اساس این گزارش، تندیس طلایی بهترین فیلم با موضوع کودک و نوجوان به ماریا هروات کارگردان فیلم «در جنگل گرد چهار گوش» گل بچه‌گریه زیبا» از کشور مجارستان اهدا شد. در همین حال، تندیس طلایی فیلم اول به جین-من کیم کارگردان فیلم «رشته ماهی» از کشور جمهوری کره اهدا شد. تندیس نقره‌ای فیلم دوم را شیواصادق اسدی کارگردان فیلم بچه‌گریه از ایران به دست آورد. تندیس برنزی فیلم سوم به «اسباب پرند» به کارگردانی آلو-آلرا توتلیبرگ از کشور استونی تقدیم شد. همچنین سه دیپلم افتخار این جشنواره به ترتیب به ساندرا دسمازیرس کارگردان فیلم «بائو» از کشور فرانسه، دنیل سوسا کارگردان فیلم «وحشی» از ایالات متحده آمریکا و جولیا گراسکاکیا کارگردان فیلم «سیلاب» از کشور ایتالیا اهدا شد. جایزه ویژه دبیر جشنواره شامل تندیس طلایی به فیلم «بیرون از بازی» به کارگردانی ایوان ماکسیمواف از کشور روسیه تعلق گرفت.

نگاه دبیر

نگناشتیم جشنواره تعطیل شود



عکس: مهدی حسینی، شرق

تمام انیماتورهایی که به بخش مسابقه راه پیدا کردند، نسل جوانند. انیمیشن آن‌قدر گسترده شده که اولین کسی که ثبت‌نام کرده یک پزشک است. ببینید انیمیشن به کجا رفته؟ این انیمیشن حالا دیگر مرز و حدود پیری و جوانی نمی‌شناسد. بحث ما فقط خاک و زمین و جغرافیا نیست ما می‌خواهیم بگوییم الان در کجاییم؟ خیلی دلم می‌سوزد، چرا که در کشور ما پتانسیل خیلی خوبی هست، فیلم‌های خوبی هم تولید شده که هیچ‌کس ندیده اما در انیمیشنن ما خیلی راحت سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. به دلیل اینکه ما کیفیت نداریم، پیشینه هم نداریم، پس بخش خصوصی نمی‌آید، پس می‌آییم در بخش دولتی- ما هنوز دولت را داریم. امروز زمان آن رسیده که وزارت فرهنگ که مجری است نباید روی یک انیمیشن فاخر سرمایه‌گذاری کند. اگر انیمیشن در چرح یک با ادبیات خوب، موسیقی و صدای خوب، انیمه خوب، قصه خوب و کارگردانی خوب تولید کردیم، مطمئن باشید آن وقت راه باز می‌شود برای کمپانی خارجی، چون هرطور فکر کنید نیروی کار ما از ران‌تر از خارجی است. تحریم سیاسی نتوانست ما را شکست دهد و ما شکستش دادیم چون هر سال ۶۸ کشور شرکت می‌کردند و فیلم می‌فرستادند ولی امسال ۷۰ کشور فیلم فرستادند و بهترین فیلمسازهای دنیا شرکت کردند. نمی‌توانیم منکر مشکلات تورم و گرانی باشیم اما نگذاشتیم جشنواره تعطیل شود. انیمیشن ایران به شرط مدیریت صحیح، آینده روشنی دارد ولی اگر مدیریت صحیح نباشد، به همان اندازه ممکن است آینده‌ای تیره داشته باشد. ولی مطمئن باشنید که پایه‌های این جشنواره آن قدر محکم گذاشته شده است که دیگر جشنواره متصل به فرد یا گروه و سازمان و ... نیست.

***دبیر هشتمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران**

نیم‌نگاه

انیمیشن ایران به چه سمت می‌رود
شرق: یکی از مهم‌ترین مسایلی که در زنده نگه داشتن انیمیشن ما مهم است، جشنواره پویانمایی است. اگر انیمیشن‌های هنری دیده نشوند، تولید آنها صفر می‌شود. تخصیص بودجه هم به این بخش کلاما جهت داده است و تولیداتی ساخته می‌شوند که کیفیت خیلی بالایی ندارند و همین باعث نابودی انیمیشن است. دوسال قبل در جشنواره پویانمایی تهران آثار خیلی خوبی داشتیم اما در دوره هشتم (۹۱) ۳۰ فیلم به مقطع پایانی رسید که تنها پنج فیلم، خوب بودند و بقیه در حد تلویزیونی‌اند. به نظر می‌رسد اگر ارگان‌های دولتی از انیمیشن حمایت نکنند، فقط تولید می‌کنیم بدون اینکه بازار داشته باشیم و با این وضعیت نابود می‌شویم. فعالان انیمیشن و داوران خواهان حمایت از انیمیشن به‌خصوص انیمیشن‌های هنری هستند.



✎ همچنان نقاشی می‌کنید؟
فضای نقاشی‌های من خیلی اکسپرسیو بودند، به نوعی کاریکاتورهای خیلی بزرگ محسوب می‌شدند ولی خواهرم چیستا یثربی وقتی دوم دیستان بودم، کتابی به من داد که درباره زمان‌بندی انیمیشن بود و روی آن نوشته بود: «امیدوارم خواهر کوچکم یک روزی به کمپانی دیسنی برود.» از همان موقع به فکر چنین کارهایی که شبیه انیمیشن است، بودم. پدرم هم در ایجاد علاقه‌ام برای جذب شدن به نقاشی، نقش خیلی زیادی داشت چون از بچگی روی نقاشی‌هایم دست می‌گذاشت تا نام نقاش را بگویم. با این‌همه کلا دلم حرکت می‌خواست. اتفاقا افسرین پیرهامشی، همسر سابق و دوست عزیزم همین موضوع را به من می‌گفت چون دوست داشتم به جای یک نقاشی، طراحی یک پلان را انجام دهم و آن‌قدر متحرک‌سازی برایم جالب بود که فرصتی برای تصویرگری و کاریکاتور برایم باقی نمی‌ماند. گاهی میان کارهایم کاریکاتور می‌کشم اما واقعا وقت بیشتری برای آن ندارم. تکنیکی هم که خودم فوق‌العاده دوست دارم، دوبعدی است. چیزی که محصول دست باشد، بیشتر دوست دارم و متأسفانه در دنیا در حال فراموشی است. نسل جدید هم گرایش زیادی به کامپیوتر دارد. همین باعث می‌شود Stop Motion را فراموش شود چون وقت زیادی می‌طلبد و حمایت هم نشود.

✎ یک کار انیمیشن چقدر به بودجه نیاز دارد؟
Cut Out قیمت پایین‌تری دارد. کارهای دو بعدی و عروسکی با وجود اینکه جزو سخت‌ترین کارها محسوب می‌شوند، ارزان هستند و زمان زیادی هم می‌برند. مثلاً یک کار خوب دو بعدی حداقل به پنج ماه زمان نیاز دارد. برای همین است که همه از روش‌های سنتی فرار می‌کنند. منشا شرکت صبا کارهای Cut Out و دوبعدی را در یک سطح می‌دهد ولی کار تری‌دی قیمت خیلی بالایی دارد. درحالی‌که طراحی فضا و شخصیت‌ها در آنها سخت و مراحل بعدی راحت‌تر است.

✎ خرید یک فیلم چقدر بودجه می‌خواهد؟
یکسری مولفه برای خرید یک کار در نظر گرفته می‌شود مثلاً اینکه کارگردان کیست، چندمین کارش است، کیفیت کار و... چگونه است. زمانی یک فیلم آماده دوبعدی از سوسی صبا دقیقه‌ای ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان خریداری می‌شد درحالی‌که همان موقع کانون پرورش، یک‌نیم‌میلیون تومان می‌پرداخت. منشا صبا با بودجه‌ای که دارد، می‌تواند حمایت زیادی کند و به انیمیشن جهت دهد اما نمی‌خواهد جهت دهد یا از انیمیشن تلویزیونی حمایت کند.

✎ تکنیک‌هایی که در انیمیشن‌ها استفاده می‌شوند، چقدر با هم فرق دارند؟
انیمیشن دوبعدی سنتی‌ترین روش در کل دنیاست که قبلاً با سل انجام می‌شد. سل‌ها کاغذهایی شبیه طلق بودند که روی آنها را با گوش نقاشی می‌کردند و فریم به فریم قلم‌گیری می‌شد و در حال حاضر با مینزور طراحی و رنگ‌آمیزی‌ها در کامپیوتر انجام می‌شود. در نوع جدید هم که همه ما جذب آن می‌شویم، قلم‌نوری است. طراحی، مینزور و اسکن حذف شده است و با قلم‌موی نوری کار می‌کنیم. این اتفاق در ایران نسبت به دیگر کشورها خیلی زودتر افتاد. مثلاً کارگاهی در کانون برگزار شد، هنرمندانی شرکت کرده بودند که هنوز روی کاغذ طراحی می‌کردند اما ما در ایران از کاغذ استفاده نمی‌کنیم. آنها فکر می‌کنند وقتی به ایران می‌آیند باید به ما آموزش انیمیشن بدهند. در همین کارگاه یک پسر نوجوان ایرانی پشت میز نشست و چنان طراحی کرد که هنرمندان خارجی شوکه شدند. متأسفانه خیلی‌ها ایران را نمی‌شناسند و فکر می‌کنند کامپیوتر نداریم. وقتی به ایتالیا رفته بودم، از من می‌پرسیدند مگر در ایران هم پیتزا دارید؟ درحالی‌که خیلی از سیستم‌های دیجیتالی که تازه وارد بازار شده‌اند و تنها در آمریکا استفاده می‌شود، در ایران کاربرد دارد چون نسل ما، نسل کامپیوتر و دیجیتال است و ایرانی‌ها در این زمینه فوق‌العاده هستند. همچنین ما در انیمیشن، تاریخچه داریم و «دورالدین زرین کلک» یکی از افتخارات ماست. متأسفانه کره، تاریخچه انیمیشن ندارد اما امی‌دیسنی صنعتی دارد. کارخانه‌های شباهه‌روزی در آنجا فعالیت می‌کنند که حتی شیف‌ت شب هم دارد و سفارش‌هایی از کشورهای دیگر می‌گیرند. ایران چنین کارخانه‌هایی ندارد. در صورتی که سابقه انیمیشن در آن بسیار زیاد است. اگر به بحث اصلی برگردیم، تکنیک دیگر Cut Out است و با مقوای بریده است که با سیم‌های خیلی نازک مفصل‌ها به هم وصل می‌شوند و زیر یک دوربین عمود قرار می‌دهند، بعد یک حرکت فیلمبرداری می‌شود و دوباره همین روند ادامه پیدا می‌کند اما الان این حرکت‌ها در کامپیوتر انجام می‌شود و لازم نیست همه حرکت‌ها فریم به فریم فیلم گرفته شود. تکنیک تری‌دی هم کلا در کامپیوتر انجام می‌شود و تکنیک شیشه هم نقاشی رنگ و روغن روی شیشه است که نقاش فریم به فریم کار می‌کند. در تکنیک شن هم، شن روی میز ریخته می‌شود و با دست و قلم‌مو شن‌ها را حرکت می‌دهند.

✎ به نظر می‌آید انیمیشن ایران به انیمیشن اروپای شرقی گرایش دارد، چرا؟
مکتب زاگرب برضد دیسنی شکل گرفت. دیسنی دوست داشت فانتزی، شور و اغراق را نمایش دهد اما مکتب زاگرب ساده‌سازی را مطرح می‌کند که نمونه بارز آن «پروفسور بالتازار» است. مکتب زاگرب به وضعیت اجتماعی خیلی توجه دارد و معمولاً کار کودک نیستند و عمق میدان نداشتن از ویژگی‌های آن است. انیمیشن ما یک‌جور بین کارهای زاگرب و دیسنی هستند چون فانتزی و داستان‌گویی‌های دیسنی را دوست داریم. مثل مجموعه پهلوانان که شخصیت‌ها، شاه‌های پهن دارند و زینا هستند. در مقابل شخصیت‌های خیلی ساده‌ای داریم که فیلم‌های هنری ما به آن سمت رفته‌اند.

✎ اصلاً چقدر انیمیشنی که هویت ایرانی داشته باشد، تولید می‌کنیم؟
خیلی کم. براساس ادبیات غنی که داریم می‌توانیم کارهای شرقی و فضاهای ایرانی داشته باشیم. هویت ایرانی باید در یک کار مدرن ارایه شود که ما چنین آثاری نداریم و کارهایمان خیلی به آثار اروپایی نزدیک‌باش است مثلاً اگر از ساخت داستان «حسن کچل» حمایت کنیم، در هر کجای دنیا نشان داده شود، همی‌تواند ایرانی است.

✎ صداوسیما به عنوان بزرگ‌ترین رسانه‌ای که می‌تواند موزیک ویدئوها را نمایش دهد، چقدر از این مساله استقبال می‌کند؟

صداوسیما الان هم نمانهنگ پخش می‌کند. چند سال قبل داشتن یک شبکه انیمیشن خواب و خیال بود درحالی‌که الان چنین شبکه‌ای داریم هرچند که ممکن است راه خودش را برود و کمتر انیمیشن ایرانی پخش کند. به همین ترتیب می‌توانیم بخشی داشته باشیم که یک شبکه، دو ساعت در روز موزیک ویدئو خواننده‌ها را پخش کند. وقتی چنین حرکت‌هایی شروع شود، می‌توانیم بخشی را در جشنواره داشته باشیم که به رقابت نمانهنگ‌های مجاز منجر شود.

✎ انیمیشن ما چقدر به سمت صنعتی شدن رفته است؟
بزرگ‌ترین ارگان تولیدکننده انیمیشن‌های ما شرکت صباست که می‌تواند تأثیر قوی و محکمی در این زمینه داشته باشد اما متأسفانه آنچه صبا به آن توجه می‌کند، از نظر کمیت است نه کیفیت. مثلاً می‌گویند ۸۰۰ دقیقه در سال تولید داشته‌اند درحالی‌که از این ۸۰۰ دقیقه چقدر در بازار جهانی سهم داریم- و چقدر خریدار داشته‌ایم؟

✎ چقدر در این زمینه موفق بوده‌ایم؟
خیلی کم. بیشتر خریداران ما تعداد محدودی کشور عربی هستند مثلاً در بازار فیلم انیمیشن اسمال که هم‌زمان با جشنواره برگزار شد، هیچ کشور اروپایی حضور نداشت و بیشترن شرکت‌کننده‌ها، شرکت‌های ایرانی هستند. در میان آنها چند شرکت هم بودند که در زمینه تری‌دی کار می‌کردند و با شرکت‌های اروپایی مراده داشتند درحالی‌که ما اصلاً نمی‌دانستیم چنین شرکت‌هایی داریم.

✎ محصولات این کشورها در داخل ایران هم پخش شده است؟
نمونه کارهایی که در بازار عرضه کرده بودند متأسفانه برای بازار ایران نبود ولی شرکت‌های کوچکی هستند که در انیمیشن خودمان فعالیت می‌کنند. در بازار جشنواره فیلم هم که پارسال حضور پیدا کرده بودم، کشورهایی مانند هند و لبنان حضور داشتند که نشان می‌دهد ما با آنها مراده داریم ولی زمانی می‌توان روی فروش یک کار حساب کرد که خارج از این مراده‌ها باشد یا کشوری که در همسایگی ما نیست و در مسافت خیلی دوری از ما قرار دارد، خواهان خرید انیمیشن‌های ما باشد. چنین اتفاقی واقعا نمی‌افتد و اگر هم رخ دهد آن‌قدر کم است که اصلاً دیده نمی‌شود. تا زمانی که این بسترها به وجود نیامده باشد، بازار فیلم نخواهیم داشت و محدود به داخل کشور است. در این دوره نمی‌توانیم انیمیشن ضعیف ایرانی را به بچه‌های ایرانی نشان دهیم و انتظار داشته باشیم بای تلویزیون بنشینند و تا آخر، انیمیشن را تماشا کنند. بچه‌های این نسل نمی‌توانند مدام نصیحت بشنوند. ما دل‌مان می‌خواهد مدام در انیمیشن‌هایمان نصیحت کنیم، درس و پند اخلاقی دهیم. آثار کمپانی دیسنی که این‌همه بیننده دارد، پند اخلاقی نیز دارند، مثلاً دیو را نشان می‌دهد که نماد بدی است اما آن‌قدر در لابه‌ای‌های مختلف، این مسایل را نشان می‌دهند که نه تنها کودک بلکه بزرگسال جذب آن می‌شود، البته شرکت صبا یکسری کارهای خیلی خوب تولید می‌کند که خیلی از آنها را به شرکت‌های بیرون از خودش سفارش می‌دهد ولی به صورت کلی، بیشتر کارهایمان کمیت‌گرا هستند بدون توجه به کیفیت.

✎ نمی‌توانیم انیمیشن ضعیف ایرانی را به بچه‌های ایرانی نشان دهیم و انتظار داشته باشیم، پای تلویزیون بنشینند و تا آخر، انیمیشن را تماشا کنند. بچه‌های این نسل نمی‌توانند مدام نصیحت بشنوند. ما دل‌مان می‌خواهد مدام در انیمیشن‌ها پیام نصیحت کنیم، درس و پند اخلاقی دهیم. آثار کمپانی دیسنی که این‌همه بیننده و پند اخلاقی نیز دارد

✎ این ضعف در کیفیت ناشی از چیست؟
به‌نظر یکسری از مشکلات به مرادوات داخلی و ارتباط‌های داخلی مربوط می‌شود چون برخی از کارگردان‌ها دوست دارند همچنان در صحنه باشند و برای همین فیلم‌هایی تولید می‌کنند که فقط از نظر کمی می‌توانیم آمار آنها را ارایه دهیم ولی کیفیت لازم را برای پخش ندارند. به‌نظر صبا باید جوان‌هایی را که خلاق هستند و فیلم‌های خوب می‌سازند، جذب کند و به آنها سفارش کار بدهد تا نیروی جدید و بسیار خلاق نسل جوان را به‌کار بگیرد چون شاید آنها به دلیل حمایت نشدن نتوانند بازار کار را پیدا کنند. همان‌طور که در جشنواره‌ها، فیلم‌های خوبی می‌بینیم که کیفیت خوبی دارند اما کارگردان‌هایشان را در سال‌های بعد نمی‌بینیم چون جذب بازار نشده‌اند. صبا باید و به راحتی می‌تواند کارگردان‌هایی را بدون درنظر گرفتن مرادوات انتخاب کند که فیلم‌هایشان یک سرورگردن از دیگران بالاتر است. به‌نظر صبا می‌تواند به انیمیشن، به‌خصوص بخش تلویزیونی ایران جهت بدهد.

✎ وضعیت جشنواره پویانمایی چگونه است؟
اولا جشنواره، تنها مکانی است که تمام دوستداران انیمیشن آن را می‌بینند. در این دوره نیز بودجه ناچیزی داشتیم اما فیلم‌های خیلی خوبی در بخش بین‌الملل شرکت کرده‌اند. سطح بخش بین‌الملل خیلی بالا بود ولی در عین حال بخش ایران، افت شدیدتری کرده است. در این بخش کسانی که سال‌های قبل کارهای خیلی خوبی ارایه کرده‌اند و پیشکسوت هستند، سراغ فیلم‌هایی رفته‌اند که به فضای تلویزیونی نزدیک شده است. ضمن اینکه تکنیک‌های متنوعی در کارها دیده نمی‌شود. بیشتر تکنیک‌ها Cut Out یا تری‌دی‌کس هستند. شاید کارهایی که از تکنیک‌های دوبعدی، عروسکی، نقاشی روی شیشه و شن که سال‌های قبل خیلی زیادتر بودند امسال از اشتگان دست تجاوز نمی‌کرد. دیگر کارهای هنری که هنرمندی در گوشه آتلیه‌اش بسازد، کمتر می‌بینیم چون کانون پرورش، بودجه کمی برای حمایت از این بخش دارد، بنابراین بیشتر کارها، چیزی بین آثار جشنواره‌ای و هنری هستند.

فاطمیا یثربی از نقاشی پا به دنیای انیمیشن گذاشته است: هر چند طی سال‌های گذشته، بیشتر در مقام یک کارگردان انیمیشن شناخته شده است. او متولد ۱۳۵۴، دانش آموخته رشته نقاشی در مقطع کارشناسی و رشته کارگردانی پویانمایی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس تهران است. از سال ۱۳۸۲ فعالیت خود را در زمینه تولید پویانمایی آغاز کرد. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به فیلم‌های «صدلی‌ها»، «هچ»، «لبخند مترسک» و مجموعه دوبعدی «قصه پنج انگشت» اشاره کرد. یثربی در پروژه Dog jam Guard (۲۰۱۱) به کارگردانی بیل پلیمپتون (Bill Plympton) هم به‌عنوان انیماتور حضور داشته است. این روزها کارگردانی کلیپ‌های انیمیشن رضا یزدانی را در دست تولید دارد. او که در هشتمین جشنواره پویانمایی جزو هیات داوران بود، برگزاری این جشنواره را مهم‌ترین گام برای بقای انیمیشن می‌داند. به اعتقاد او، اگر ارگان‌های دولتی از انیمیشن حمایت نکنند، به سمت نابودی می‌رویم. درحالی‌که ایران با پیشینه‌ای که در این زمینه دارد و به دلیل ادبیات غنی به راحتی می‌تواند آثاری در سطح جهان ارایه کند. او همچنین از اینکه آثار تولیدشده جنبه کمی دارند و کیفیت در آنها نادیده گرفته می‌شود، گلّه می‌کند و می‌گوید انیمیشن‌های ساخته شده به جای داشتن روحی ایرانی، نزدیک به کارهای اروپایی هستند.

✎ چطور شد انیمیشن را انتخاب کردید؟
من فارغ‌التحصیل رشته نقاشی هستم اما از همان زمان به کاریکاتور، طنز و فضاهایی که متفاوت‌تر از نقاشی بود، علاقه داشتم.

✎ آن موقع رشته انیمیشن نبود؟
دانشکده صداوسیما این رشته را تدریس می‌کرد منته‌ا هر دو سال یکبار دانشجو می‌پذیرفت اما من به نقاشی خیلی علاقه داشتم و به صورت حرفه‌ای وارد رشته انیمیشن نشده بودم. دو سال بعد از فارغ‌التحصیلی با شرکت «رسانه‌ای فرد» آشنا شدم و هیچ اطلاعاتی از انیمیشن به‌خصوص بخش دوبعدی نداشتم. به کلاس‌های تری‌دی‌عکس می‌رفتم و برایم جالب بود که ساخت انیمیشن کامپیوتری چگونه است. من در طراحی و اتودهای دستی، قوی بودم و یکی از دوستانی که بعداً شرکت جداگانه‌ای تأسیس کرد، وقتی طراحی‌های من را دید، پیشنهاد کرد که طراحی کلیپ انجام دهم. بعدها به شرکت «ابنوس» و «کلک خیال» رفتم و تیزرهای هنری برای وزارت بهداشت کار کردم. چهار، پنج‌سال که کار کردم، تصمیم گرفتم مستقل کار کنم، برای همین جذب کانون پرورش فکری کودک و نوجوان شدم چون از فیلم‌ها مستقل و کوتاه حمایت می‌کرد.

✎ این حمایت چگونه بود؟
شرکت صبا و شبکه دو معمولاً فیلم‌های کوتاه سفارش نمی‌دهند، البته مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی هم از سریال و فیلم بلند حمایت می‌کند و این امکان برای من وجود نداشت که با آنها کار کنم. کانون هم به اصطلاح از فیلم‌های جشنواره‌ای و هنری حمایت می‌کرد و این همان چیزی بود که هنرمندان مستقل جذب آن می‌شدند سه، چهار فیلم هم برای کانون پرورش تولید کردم.

✎ حمایت در قالب سفارش فیلم بود یا خرید آن؟
شما استاد بودم را به کانون پرورش ارایه می‌دادید، اگر قبول می‌کردند، Story Board یا سنا فیلمنامه صورت را طراحی می‌کردید و بعد به فراردا می‌رسیدیم. من بعد از کانون، جذب شرکت صبا شدم و داستان «پنج انگشت» را براساس شعر «مصطفی رحماندوست» ساختم، مشکل کار این بود که داستان‌ها باید یک دقیقه‌ای ساخته می‌شدند و گنجاندن آن‌همه شعر در یک‌دقیقه خیلی سخت بود. بعد از آن قرار بود داستان‌هایی را براساس ضرب‌المثل‌ها بسازم. مصطفی رحماندوست تحقیقی برای ضرب‌المثل‌های ایرانی انجام داده بود. هر قسمت هم باید در پنج دقیقه ساخته می‌شد که یک پروژه خیلی بزرگ بود و حداقل سه، چهار سال زمان می‌برد. در همان زمان من جذب موزیک ویدئو شدم. من خیلی دوست دارم انیمیشن را وارد عرصه‌های دیگر کنم و تلفیقی کار کنم برای همین بخش موزیک ویدئو خیلی برایم جالب بود منته‌ا این بخش در ایران مورد توجه قرار نگرفته است.

✎ حتی اگر هم مورد توجه قرار گیرد، محصول نهایی جایی برای عرضه دارد؟
مشکل همین است مثلاً الان در حال ساخت بخش موزیک ویدئو برای رضا یزدانی هستیم که پنج یا هفت موزیک ویدئو خواهد بود. این کار مقوله خیلی جذابی است چون تلفیق انیمیشن، موسیقی و فیلم است حتی بخش مستقلی از یک جشنواره را می‌توان به این حوزه اختصاص داد تا رقابت به وجود آید و انگیزه‌ای برای خوانندگان شود که موزیک ویدئو را سفارش دهند.

✎ خود هنرمندان موسیقی چقدر به این کار علاقه دارند؟
در حال حاضر رضا یزدانی خیلی از این کار حمایت می‌کند و دوست دارد در کلیپ‌هایش از انیمیشن استفاده کند. اما طراحانی دیگر هم صحت کردایم ولی با اینکه کلیپ‌هایشان کجا پخش شود، مشکل دارند چون موضوع اصلی این است که اگر این کلیپ‌ها در DVD ارایه شود، قیمت آلبوم‌گران می‌شود. پس DVD موزیک ویدئو باید همراه آلبوم هدیه داده شود تا مردم توان خرید داشته باشند، همان‌طور که رضا یزدانی این کار را انجام می‌دهد ولی در این صورت به هنرمندان فشار می‌آید.

✎ آیا موزیک ویدئو را ارایه کردید؟
بله حتی به دبیر جشنواره هم گفتم اما هنوز کارهای حرفه‌ای به اندازه کافی تولید نشده است و یکسری کارهای بازاری هم تولید شده‌اند که کیفیت خیلی خوبی ندارند. باید از میان ۴۰ یا ۵۰ خواننده پنج یا شش خواننده به سراغ موزیک ویدئو بروند تا حداقل تعدادی کار، تولید شود و بتوان بخش مجزایی برای آن اختصاص داد. خواننده‌ها آن‌قدر کم برای تولید موزیک ویدئوها انگیزه دارند که تا سه، چهار سال آینده نمی‌توان انتظار ماندناری بخشی جداگانه را در یک جشنواره داشت.